

# چگونه آمریکا یک ملت را نابود می کند

contact@korosherani.com

کورش عرفانی

هر روز که می‌گذرد نتایج بازرسیهای هئیت اعزامی سازمان ملل متحد این واقعیت را بیشتر آشکار می‌کند که عراق فاقد هرگونه سلاح کشتار دسته جمعی است، اما آمریکا از تک تک ساعات شبانه روز استفاده می‌کند تا سرباز و تجهیزات بیشتری به منطقه خلیج فارس ارسال کند. باید دانست آمریکایی که سالها در انتظار این شرایط بوده است هرگز فرصت تاریخی کنونی را از دست نمی‌دهد.

## نگاهی به گذشته :

در سال ۱۹۳۰ هنگامی که دوران قیمومت بریتانیا در عراق به پایان رسید، بر اساس پروتکل دهم اکتبر ۱۹۳۰ اکتشاف و حمل و نقل نفت منابع عراق به شرکت‌های بزرگ غربی و از جمله انگلیسی واگذار شد. میزان سطح زمین واگذار شده به این شرکتها، برای بهره برداری منابع نفتی آنها، معادل ۹۴ درصد سرزمین عراق بود. این قرارداد ضد ملی در چهارم ژوئیه ۱۹۵۸ توسط ژنرال "قاسم" و با یک کودتای نظامی به سوی نابودی رفت. در نوزدهم ژوئن ۱۹۶۱ هنگامی که انگلستان از تصمیم ژنرال قاسم برای لغو امتیاز "بهره برداری نفت عراق" (ایراک پترولیوم) آگاه شد استان کویت را به تصرف نظامی درآورد و آنجا را مستقل اعلام کرد. تصادفا (!) در همین سال است که نخستین شورش کردهای بارزانی به رهبری مصطفی بارزانی با شکلی جدید در شمال عراق آغاز شد. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ صدام حسین رهبر حزب بعث با کودتایی خونین و با حمایت آمریکاییها قدرت را بدست می‌گیرد.

باید بدانیم که صدام حسین از ابتدای به قدر رسیدن خود مورد توجه آمریکا بود تا آنکه در جریان بالا رفتن ناگهانی قیمت نفت و نقش عراق در آن ایالت متحده تصمیم گرفت که بر روی شاه بعنوان نیروی قابل اطمینان حساب کند. با روی کارآمدن خمینی آمریکا بار دیگر به صدام روی آورد و سیل کمکهای مالی آمریکا به این کشور سرازیر شد. در طول جنگ بیش از ۵۲ کشور جهان به ایران و عراق تسلیحات فروختند که در بین آنها ۲۹ کشور سلاحهای خود را به هر دو طرف می فروختند. در سال ۱۹۸۹ جنگ پر خسارت میان ایران و عراق به پایان رسید. در حالیکه عراق شدیداً به درآمدهای نفتی خود برای بازسازی خویش احتیاج داشت کویت، در یک اقدام هماهنگ با آمریکا، تولید نفت خود را برخلاف قواعد اوپک به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش داد و موجب کاهش قیمت نفت از هیجده دلار به یازده دلار شد. عراق که تنها منبع درآمد ارزش نفت بود با ضرری معادل یک سوم از منابع ارزی خود مواجه شد و هر ماه حدود ۱ میلیارد دلار از دست داد. در فاصله کمتر از یکسال عراق چهارده میلیارد دلار زیان دید. عراق با احساس خیانت از جانب کویت، در یک دوره حساس از حیات خود که نیاز به پول برای بازسازی ویرانیهای جنگ داشت، برای ترساندن دولت کویت نیروهای خود را به مرز این کشور فرستاد.

اسناد و مدارک نشان می‌دهد که آمریکا از این انتقال نیرو از همان ابتدا آگاه بود، اما کمترین واکنشی نشان نداده و حتی تذکری ضمنی هم به عراق نمی‌دهد. گزارشها نشان می‌دهد که از ماهها قبل پنتاگون از حمله احتمالی عراق به کویت اطلاع داشته و طرحهای نظامی خود را از قبل آماده کرده بوده است. نظامیان آمریکایی شهادت داده‌اند که ماهها قبل از آغاز حمله عراق در آموزشگاه آنها درباره شرکتشان در یک جنگ در منطقه خلیج فارس مطالبی گفته می‌شده است. عراق با باور اینکه بی تفاوتی آمریکا دلیل بر عدم واکنش آن به حمله نظامی به کویت خواهد بود در دام افتاد. هنگامی که روز ۲ اوت ۱۹۹۱ عراق به کویت حمله ور شد به فاصله چند ساعت آمریکا، در اوج آمادگی،

ناوهای خود را به سمت سواحل عراق فرستاد و داراییهای این کشور در آمریکا را توقیف کرد. مقامات آمریکایی با ارائه اطلاعات دروغ و تصاویر ماهواره‌ای ساختگی از تجمع عظیم نیروهای عراقی در مرز خود با عربستان برای تصرف این کشور سرانجام موفق شدند که به آرزوی دیرین خود دست یابند. سرانجام تلاشهای آمریکا برای مستقر ساختن نیروهای نظامی خود در "سرزمین مقدس اسلام" -عربستان سعودی- به نتیجه رسید و مقامات سعودی اجازه مستقر شدن نیروهای آمریکایی در کشور خود را دادند.

برای آمریکا آنچه مهم بود بدست گرفتن کنترل منابع نفتی بود. کیسنجر چهره شاخص لویی یهود در دستگاه حاکمه آمریکا سالها قبل گفته بود: "اهمیت نفت بقدری زیاد است که نمی توان آنرا به اعراب واگذاشت." محور همکاری آمریکا و اسرائیل به شانس تاریخی دست یافته بود. آمریکا برای دراز مدت در منطقه مستقر می‌شد و اسرائیل از خطر یکی از دشمنان بالقوه خود - عراق - راحت می‌شد و کمپانیهای نفتی هر دوشان از آینده کار خویش اطمینان می‌یافتند.

از فردای ۷ مارس که مقامات عربستان موافقت خود را با استفاده از خاکشان به آمریکا دادند، سیل هوایماهای آمریکا حامل سلاح و تجهیزات به این کشور آغاز شد. اینجا نیز همه چیز از قبل آماده بود.

روز ۱۷ ژانویه آمریکا حمله غول آسای خود را به عراق آغاز کرد و در عرض کمتر از یک هفته معادل ۷ برابر آنچه بر سر هیروشیما ریخته بود بمب بر سر مردم عراق خالی کرد، ۲۰۰ هزار عراقی را قتل عام کرد و تمامی تاسیسات نظامی و نیز تاسیسات ارتباطاتی، نیروگاههای برق، منابع آب و کلاً آنچه را که زنجیره غذایی می‌نامند تا حد نابودی بمباران کرد. در عرض ۴ هفته بنا به گزارش سازمان ملل متحد "عراق به یک کشور ماقبل دوره صنعتی به عقب رانده شد. بر اثر دو جنگ پیاپی عراق معادل ۷۵۰ میلیارد دلار ضرر دید که برابر با ۱۷ بار کل محصول تولید ناخالص این کشور است.

جنگ با "دقت جراحی" بدور از دوربینها یک ملت را به کام مرگ کشاند. هنگامی که سربازان آمریکایی در ۲۴ فوریه وارد کویت شدند بدون کمترین مقاومتی به پیش رفته و وارد خاک عراق شدند و در سر راهشان هزاران هزار سرباز و شبه نظامی عراقی را قتل عام کرده و زنده زنده مدفون کردند. از آن ارتش "غول آسای عراق" که آمریکاییها آن همه تبلیغش را کرده بودند هیچ خبری نبود. با آغاز شورش کردها در شمال عراق و شیعیان در جنوب آن کشور فرماندهان نظامی آمریکا به سرعت پیش‌روی خود را متوقف ساختند، آتش بس را پذیرفتند و سپس خاک عراق را ترک کردند. فرماندهان عراقی در مذاکرات خود با آمریکاییها اجازه پرواز هلی کوپترهایشان را گرفتند و زیر نگاه هوایماها و رادارهای آمریکایی به قتل عام کردها و شیعیان جنوب پرداختند.

پس از آن محاصره اقتصادی عراق آغاز شد که همه رسانه‌ها و سازمانهای بین المللی از آن بعنوان "خشن‌ترین و بی رحم‌ترین محاصره‌ای که تاکنون بر علیه یک ملت اعمال شده است" نام می‌برند. یک مصاحبه خبری بیان می‌کند که زمانی که طرح نفت در مقابل غذا عنوان شد آمریکا بطور خودکار و بدون مطالعه با پروندهء هرگونه کمکی به عراق مخالفت می‌کرده است. در یک مورد نماینده آمریکا بدون باز کردن پروندهء مربوط به فروش تخم مرغ نوشته است: "کارکرد نهایی این محصول در عراق چه خواهد بود." مسئول مربوط به نماینده آمریکا گفته است: "آنرا در آب گرم آب پز می‌کنند یا بصورت نیمرو می‌خورند."

دشمنی آمریکا و لوبی‌هایی که می‌خواستند تا عراق دیگر هرگز نتواند سر بلند کند با مردم ستم‌دیده این کشور به حدی پیش رفت که ورود داروهای ضروری به این کشور به دلیل واهی "استفاده چند گانه از آن" ممنوع شد. شاید چون از دیدگاه کارشناسانی مانند کی‌سینجر با اسپیرین هم می‌توان بمب شیمیایی ساخت !!

از زمان محاصره اقتصادی عراق تاکنون بیش از یک میلیون عراقی که نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر از آنها کودک بوده‌اند به دلیل سوء تغذیه یا عدم درمان جان باخته‌اند و جمعیت آینده عراق تا چندین نسل بیمار و معلول خواهد بود. مادرلن آلبرایت، یک مهاجر یهودی لهستانی، در سال ۱۹۹۶ در یک مصاحبه تلویزیونی و در مقام وزیر خارجه آمریکا در کمال خونسردی در مورد مردم در حال مرگ عراق

گفت : " اگر بهای آنچه باید انجام شود اینست مردم عراق باید این بها را بپردازند".  
بر اثر استفاده از زباله‌های اتمی - اورانیوم به کار گرفته شده - در گلوله‌های مورد استفاده در عراق آثار سرطان زای هزاران عراقی را تاکنون به کام مرگ کشیده و هر روز در عراق حداقل دو نوزاد ناقص الخلقه از مادرانی که به سرطانهای ناشی از تماس با این مواد آلوده شده‌اند به دنیا می‌آید. از مجموع بیش از ۶۰۰ هزار سرباز آمریکایی که برای جنگ به منطقه اعزام شده بودند، بیش از ۱۸۳ هزار نفر پرونده پزشکی برای خود تهیه کرده‌اند و از ناراحتیهای گوناگون شکایت می‌کنند. تا بحال ۹۵۹۲ نفر از آنها به دلیل عوارض تماس مستقیم با این نوع گلوله‌ها جان خود را از دست داده‌اند. این گلوله‌ها در صربستان (کوزوو) و نیز در افغانستان نیز بکار گرفته شده است و در حال حاضر ۱۵ کشور این نوع از مهمات را برای فروش در اختیار دارند. آثار ناگوار اشاعه این مواد که برای خاصیت نفوذ پذیری آن روی هر نوع مانعی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا ۴ میلیارد سال در طبیعت باقی می‌ماند.

### دست آوردهای جنگ :

از زمان پایان جنگ خلیج فارس تا کنون میزان فروش تسلیحات در کشورهای عرب منطقه افزایش یافته است و هر ماهه یک میلیارد دلار تسلیحات از جانب این کشورها خریداری می‌شود. آمریکا بطور درازمدت و به قول خودشان همیشگی در عربستان، کویت، قطر و در خلیج فارس مستقر شده است. برای این کار لازم بود که صدام حسین بعنوان ابزار تبلیغاتی آمریکاییها در راس کار بماند تا آنها بتوانند به این بهانه درطول دوازده سال حضور خود را در آنجا جا ببندازند. اینک که مرحله استقرار به پایان رسیده است تاریخ مصرف صدام نیز به پایان رسیده و باید برود. آمریکا با یا بدون جنگ این کار را خواهد کرد و چنانکه قبلا نیز گفتم بی هیچ شکی پس از آن به سایر کشورهای منطقه و از جمله ایران خواهد پرداخت. تجمع سربازان آمریکایی در مرزهای شرقی ایران در روزهای اخیر و بهانه‌ای مانند انجام یک عملیات بر علیه سربازان آمریکایی از جانب هواداران حکمتیار که مورد پشتیبانی حکومت ملاها نیز هست، کفایت تا آمریکاییها پس از تقدیم جسد خشکیده عراق به پای اسرائیل قربانی دیگر خود را برای آنها آماده کنند. زیرا مگر نه اینکه شارون ماه پیش گفته بود : "در فردای روشن شدن تکلیف صدام باید به سراغ ایران رفت."

این فرضیه هر روز بیش از پیش تقویت می‌شود که جهان‌گشایی آمریکایی-اسرائیلی تنها در آغاز خود است و عراق و افغانستان مراحل نخستین یک استراتژی جهانی است که به تمامی خاورمیانه گسترش یافته و سپس آسیای جنوب شرقی را نیز دربر خواهد گرفت. کشور ما در یکی از مراحل حساس حیات تاریخی خود بسر می‌برد، مرحله‌ای که ملتی از مسخ ناشی از یک ربع قرن دیکتاتوری سرکوبگر بتدریج خارج شده و شروع به تشخیص منافع خود می‌کند. اما این روند بسیار بطئی و نیازمند زمان است، حال آنکه طرحهای آمریکا برای کوتاه مدت است و این باعث خواهد شد بار دیگر این ملت شانس خود را برای انجام یک انتخاب به راستی دمکراتیک از دست دهد و باز یا به سمت یک جایگزین از جای دیگر تعیین شده هدایت شود و یا در یک جنگ داخلی قومی و تجزیه کشور، که مطلوب اسرائیل - ابر قدرت آینده منطقه - است، گرفتار شود. به همین خاطر لازم است تا فعالان سیاسی که با تعهد و احساس مسئولیت مبارزه می‌کنند دست به کار شده و شرایطی را فراهم کنند که مردم ایران نه میان بد و بدتر بلکه میان خوب و بهتر حق انتخاب داشته باشند. این وظیفه ماست که هر چه سریعتر موانع را کنار زده و به حرکتی دست زنییم که امکان تعیین سرنوشت را برای ما و مردم ایران فراهم می‌سازد.

من باور دارم که اگر ایرانیان مسئول و مبارز بخواهند می‌توانند این مهم را انجام دهند. اما برای توانستن نخست باید خواست.

× ×